



A Comparative Analysis of Communicative Roles in *Farsi-e Omumi ۱* (Parsa Series) and Faraz (Basic Level ۲) Based on Halliday's Seven Functions of Language

Hamed Tahmasebi ۱

Masters degree in Teaching Persian to Non-Persian Speakers, Semnan University, Iran.

Mohammad Ali Jafari ۲

Department of Foreign Languages, Qo.C. Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

In the communicative approach to language teaching, the ultimate goal is to enable effective communication. This goal is achieved when instructional materials genuinely represent the diverse and authentic functions of language within social contexts. The present study aimed to conduct a comparative analysis of the communicative patterns in two textbooks, *Farsi-e Omumi ۱* (from the Parsa series) and Faraz (Basic Level ۲), using Halliday's (۱۹۷۳) framework of seven language functions. A mixed-methods, deductive content analysis was employed as the research design. After developing a reliable, operational coding scheme (Cohen's Kappa = ۰,۸۸), a census of all sentences was conducted, yielding a corpus of ۱,۵۵۵ sentences from Parsa and ۲۴۶ from Faraz. Each sentence was coded for the instrumental, regulatory, interactional, personal, imaginative, heuristic, and informative functions, allowing for multi-functional coding. Data analysis involved the Chi-square test, Cohen's h effect size, and the Shannon-Wiener Diversity Index. The findings revealed that the «informative» function was predominant in both textbooks (٪۶۷,۸ in Parsa and ٪۶۸,۲ in Faraz). However, a statistically significant difference was found in the overall distribution of functions ($\chi^2_{(3,df=2)} = 2, p < ۰,۰۰۱$). The two textbooks diverged in their secondary emphases: Parsa allocated a significantly larger share to the «interactional» function (٪۱۴,۳), emphasizing socialization, whereas Faraz placed a greater emphasis on the «personal» function (٪۹,۸), providing more space for individual self-expression. The «imaginative» function was virtually absent from both textbooks.

Keywords: Teaching Persian to Speakers of Other Languages (TPSOL), Communicative Approach, Functional Linguistics, Halliday's Seven Functions of Language, Comparative Analysis, Parsa Series, Faraz Series.

۱. Email: ht۰۱۵@chmail.ir

۲. Email: MA.Jaf@iau.ac.ir (Corresponding Author)

تحلیل تطبیقی نقش‌های ارتباطی در کتاب‌های «فارسی عمومی ۱» (مجموعه پارسا) و «فراز» (سطح پایه ۲) بر اساس نقش‌های هفت‌گانه هیلدی

حامد طهماسبی^۱

استاد همکار و دانشجوی دکتری زبان‌شناسی مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی دانشگاه سمنان، ایران.

محمد علی جعفری^۲

گروه زبان‌های خارجه، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

هدف از آموزش زبان در رویکرد ارتباطی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر است. این مهارت زمانی محقق می‌شود که منابع آموزشی، بازنماینده کارکردهای واقعی و متنوع زبان در بستر اجتماع باشند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه تطبیقی الگوی ارتباطی دو کتاب «فارسی عمومی ۱» از مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی پارسا و «فراز» (از مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی فراز) بر اساس نظریه نقش‌های هفت‌گانه هیلدی انجام شده است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی-کمی با رویکرد قیاسی بود. پس از تدوین یک طرح کدگذاری عملیاتی و دارای پایایی (کاپای کوهن = ۰.۸۸)، تمام‌شماری جملات دو کتاب (۱۵۵۵ جمله از پارسا و ۳۴۶ جمله از فراز) انجام شد و هر جمله برای نقش‌های ابزاری، نظارتی، تعاملی، شخصی، تخیلی، اکتشافی و اطلاع‌رسانی کدگذاری گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های χ^2 -دو، اندازه اثر کوهن h و شاخص تنوع شانون صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که الگوی غالب در هر دو کتاب، «اطلاع‌رسانی» است (۶۷.۸٪ در پارسا و ۶۸.۲٪ در فراز). با این حال، تفاوت معناداری در توزیع کلی نقش‌ها مشاهده شد ($\chi^2_{(3)} = ۸۳.۵۲, p < ۰.۰۰۱$). دو کتاب در اولویت‌های فرعی خود واگرایی نشان می‌دهند: پارسا سهم بیشتری به «نقش تعاملی» (۱۴.۳٪) اختصاص داده و بر جامعه‌پذیری تأکید دارد، درحالی‌که فراز با سهم بالاتر «نقش شخصی» (۹.۸٪) فضای بیشتری برای ابراز فردیت فراهم می‌کند. در هر دو کتاب، «نقش تخیلی» تقریباً غایب است.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، رویکرد ارتباطی، زبان‌شناسی نقش‌گرا، نقش‌های هفت‌گانه هیلدی، تحلیل تطبیقی، مجموعه پارسا، فراز.

۱. مقدمه

آموزش زبان دوم در دهه‌های اخیر، شاهد یک چرخش پارادایمی از رویکردهای ساخت‌گرا به سوی رویکردهای ارتباطی بوده است. در رویکردهای پیشین، زبان مجموعه‌ای از قواعد دستوری و واژگانی منفک تلقی می‌شد، اما در پارادایم ارتباطی، هدف غایی، تجهیز زبان‌آموز به «توانش ارتباطی»^۱، یعنی توانایی استفاده از زبان به‌عنوان ابزاری برای انجام مؤثر کنش‌های اجتماعی در موقعیت‌های واقعی است (هایمز، ۱۹۷۲). این تحول نظری، بازنگری در تمام ارکان آموزش زبان، به‌ویژه محتوای کتاب‌های درسی را ضروری ساخته است. کتاب درسی، به‌عنوان نقشه راه برنامه درسی، نمی‌تواند صرفاً بر ارائه ساختارهای زبانی متمرکز باشد، بلکه باید بازنماینده کارکردهای واقعی و متنوع زبان در بافت‌های ارتباطی باشد.

در این راستا، زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی^۲ چارچوبی نظری و منسجم برای تحلیل این کارکردها فراهم می‌آورد. هلیدی (۱۹۷۳، ۱۹۷۸) زبان را نه مجموعه‌ای از جملات صحیح، بلکه نظامی از «معناهای بالقوه» می‌داند که در تعاملات اجتماعی بالفعل می‌شوند. نظریه «نقش‌های هفت‌گانه» او، هفت کارکرد بنیادین و جهانی برای زبان در زندگی اجتماعی برمی‌شمرد: ابزاری (برآوردن نیازها)، نظارتی (کنترل رفتار دیگران)، تعاملی (ایجاد و حفظ روابط اجتماعی)، شخصی (بیان احساسات و هویت)، اکتشافی (کاوش و یادگیری)، تخیلی (خلق دنیای داستانی) و اطلاع‌رسانی (انتقال اطلاعات). از این منظر، تسلط بر یک زبان به معنای توانایی به‌کارگیری طیف کاملی از این نقش‌ها در بافت‌های مناسب است. بنابراین، کیفیت یک منبع آموزش زبان را می‌توان بر اساس میزان و چگونگی پرداختن آن به این نقش‌های هفت‌گانه ارزیابی کرد.

اهمیت این موضوع برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، با توجه به گسترش روزافزون آن در سطح بین‌المللی، دوچندان می‌شود. مراکز آموزشی، منابع متفاوتی را تألیف و معرفی کرده‌اند و هر یک مدعی بهره‌گیری از رویکردهای نوین و ارتباطی هستند. از جمله این منابع، مجموعه کتاب‌های «فارسی عمومی» از مجموعه از مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی «پارسا» است که توسط جامعه‌المصطفی‌العالمیه (صلی‌الله‌علیه و آله) تدوین شده و به‌عنوان متن آموزشی در مراکز آموزش زبان در سراسر جهان تدریس می‌شود. کتاب «فراز» نیز به‌عنوان یکی دیگر از منابع آموزشی در سطح پایه مطرح شده است. با این حال، این ادعا که محتوای این کتاب‌ها تا چه اندازه در عمل با کارکردهای واقعی و متنوع زبان، آن‌گونه که در نظریه هلیدی تبیین شده، انطباق دارد، نیازمند بررسی تجربی، نظام‌مند و دقیق است.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف علمی و با رویکردی تطبیقی، به تحلیل محتوای کتاب‌های «فارسی عمومی ۱» از مجموعه پارسا و کتاب «فراز» (سطح پایه) می‌پردازد. مبنای نظری این تحلیل، نقش‌های هفت‌گانه هلیدی خواهد بود. این مطالعه در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. توزیع و فراوانی نقش‌های هفت‌گانه هلیدی در هر یک از دو کتاب چگونه است و چه الگوی ارتباطی‌ای را شکل می‌دهد؟

۲. چه شباهت‌ها و تفاوت‌های معناداری در الگوهای ارتباطی این دو کتاب وجود دارد؟

۳. یافته‌های این تحلیل تطبیقی چه دلالت‌هایی برای بهبود طراحی منابع آموزش زبان فارسی دارد؟

^۱. Communicative Competence

^۲. Halliday's Systemic Functional Linguistics

۲. پیشینه پژوهش

ارزیابی منابع آموزش زبان فارسی بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا، دغدغه‌ای رو به رشد در پژوهش‌های اخیر است. مرور ادبیات نشان می‌دهد که این مطالعات، از تحلیل فرانش‌های منفرد تا کاربرد مستقیم نقش‌های هفت‌گانه هلیدی را در بر می‌گیرند. در ادامه، این پژوهش‌ها در دو دسته کلی مرور می‌شوند: مطالعات مبتنی بر فرانش‌ها و مطالعات مبتنی بر نقش‌های هفت‌گانه.

الف) پژوهش‌های مبتنی بر فرانش‌ها

تبریزمنش (۱۳۸۷) با تمرکز بر «فرانش تجربی»، مجموعه «فارسی بیاموزیم» را تحلیل کرد و نشان داد که توزیع فرایندهای مادی، ذهنی و رابطه‌ای در این کتاب ناهمگون است. این یافته، دلالت‌های آموزشی مهمی دارد، اما محدود بودن تحلیل به یک فرانش، تصویری ناقص از کارکردهای ارتباطی کتاب ارائه می‌دهد. غفاری مهر (۱۳۸۳) نیز با بررسی ساختار «مبتدا- خبری» در دو مجموعه آرفا و فارسی بیاموزیم، نتیجه گرفت که مجموعه دوم به گونه گفتاری نزدیک‌تر است. رضاخانی (۱۳۸۵) هم با تحلیل «فرانش بینافردي» در فارسی بیاموزیم، این کتاب را در آموزش ساختارهای تعاملی چندان موفق نیافت.

ب) پژوهش‌های مبتنی بر نقش‌های هفت‌گانه هلیدی

در نقطه مقابل، قاضی‌زاده و قنصولی (۱۳۸۹) با تحلیل تابلوهای وسایل نقلیه برون‌شهری، نشان دادند که هر هفت نقش هلیدی در متون غیرآموزشی نیز قابل ردیابی است. اگرچه این مطالعه به متون آموزشی نمی‌پردازد، کارایی چارچوب هفت‌گانه را برای تحلیل زبان فارسی تأیید می‌کند. مهم‌ترین پژوهش در زمینه منابع آموزشی، مطالعه رضایی و علی‌پور (۱۳۹۱) است که متون خوانداری «فارسی بیاموزیم» را بر اساس نقش‌های هفت‌گانه تحلیل کردند. آنان دریافتند که «نقش تعاملی» با ۴۵.۸٪ غالب است و «نقش تخیلی» تقریباً نادیده گرفته شده است. با این حال، این مطالعه ضعف‌های روش‌شناختی قابل توجهی دارد: معیار شفاف برای تفکیک نقش‌ها، به‌ویژه مرز میان پرسش‌های تعاملی و اکتشافی، ارائه نشده و هیچ شاخصی برای سنجش «پایایی کدگذاری» گزارش نشده است.

تازه‌ترین مطالعات در این حوزه، دو پژوهش انجام‌شده در سال ۱۴۰۲ هستند که هر یک بخشی از خلأ موجود را پر می‌کنند. ابراهیمی (۱۴۰۲) با یک رویکرد تطبیقی، دو مجموعه «فارسی بیاموزیم» و «پارسا خواندن» را مقایسه کرد. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده افول «نقش تعاملی» در پارسا خواندن (۱۹ مورد) و صعود بی‌سابقه «نقش اکتشافی» (۸۹۵ مورد) بود. با این حال، یک محدودیت اساسی در این مطالعه وجود دارد: کتاب «پارسا خواندن» پارسا صرفاً بر مهارت خواندن متمرکز است و نمی‌تواند بازنماینده رویکرد کلی مجموعه پارسا باشد.

درست در همین نقطه، طهماسبی و عطاریان (۱۴۰۲) با تمرکز مستقیم بر کتاب‌های «فارسی عمومی» از مجموعه پارسا (به‌عنوان کتاب محوری و چهارمهارتی)، پژوهشی را منتشر کردند که مستقیماً موضوع مطالعه ماست. آن‌ها با بررسی هر سه جلد فارسی عمومی، ۴۶۳۵ نقش اجتماعی را شناسایی کردند و دریافتند که «نقش تعاملی» با ۱۵۹۵ مورد، غالب است. این

مطالعه از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد کتاب‌های فارسی عمومی پارسا توجه قابل ملاحظه‌ای به نقش‌های اجتماعی زبان داشته‌اند. با این وجود، این پژوهش نیز از ضعف‌های روش‌شناختی مشابهی رنج می‌برد: ابهام در چگونگی کدگذاری جملات چندنقشی (که خود مقاله به آن اذعان دارد)، فقدان یک طرح کدگذاری عملیاتی و شفاف، و عدم گزارش پایایی کدگذاری. این نقاط ضعف، تکرارپذیری و اعتبار علمی یافته‌های آن را مخدوش می‌کند.

مرور دقیق ادبیات، سه خلأ درهم‌تنیده را آشکار می‌سازد:

۱. خلأ روش‌شناختی: هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، یک طرح کدگذاری عملیاتی، شفاف و دارای پایایی برای تفکیک نقش‌های هفت‌گانه، به‌ویژه در تمایز میان پرسش‌های تعاملی و اکتشافی، ارائه نداده‌اند.

۲. خلأ مقایسه‌ای: کتاب «فراز» به‌عنوان یک متن آموزشی، تاکنون از این منظر تحلیل نشده است و هیچ مقایسه تطبیقی میان آن و مجموعه پارسا صورت نگرفته است.

۳. خلأ محتوایی: مطالعه طهماسبی و عطاریان (۱۴۰۲) بر روی کتاب‌های فارسی عمومی پارسا انجام شده، اما ضعف‌های روشی آن ضرورت یک بازبینی دقیق‌تر را ایجاب می‌کند.

پژوهش حاضر برای پر کردن هم‌زمان این سه شکاف طراحی شده است: ما با یک طرح کدگذاری دقیق، عملیاتی و دارای پایایی، کتاب «فراز» را با کتاب «فارسی عمومی ۱» از مجموعه پارسا به‌صورت تطبیقی مقایسه می‌کنیم تا هم ادعای ارتباطی بودن این منابع را با روشی متقن بیازماییم و هم تصویری دقیق‌تر از الگوی نقش‌های زبانی آن‌ها ارائه دهیم.

۳. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر بر بنیان‌های نظری زبان‌شناسی نقش‌گرا^۱ استوار است؛ پارادایمی که در تقابل با زبان‌شناسی ساخت‌گرا شکل گرفت و زبان را نه به‌عنوان نظامی انتزاعی از قواعد، بلکه به‌مثابه یک نهاد بشری تعریف می‌کند که اصیل‌ترین کارکرد آن، برقراری ارتباط و انتقال معنا در بستر اجتماع است (ژرمن، ۱۹۹۱: ۲۸). در این میانه، نظریه مایکل هلیدی^۲ (۱۹۷۳) با تمرکز بر «نقش‌های اجتماعی» زبان، چارچوبی منسجم برای تحلیل این کارکردها فراهم می‌آورد که مستقیماً به ارزیابی توانش ارتباطی در منابع آموزشی می‌انجامد.

۳.۱. از نقش‌های کودکان تا نقش‌های اجتماعی بزرگسالان

هلیدی (۱۹۷۳) در مقاله تأثیرگذار خود با عنوان «پایه‌ی نقش‌گرایی زبان»، با وام‌گیری از ایده‌های مردم‌شناسی به نام مالینوفسکی^۳، به این فرضیه بنیادین می‌رسد که «نقش‌های اجتماعی» مختلف زبان، تعیین‌کننده ساختارهای زبانی هستند. او که ریشه نظریه خود را در مشاهده دقیق فراگیری زبان اول در کودکان یافته بود، هفت کارکرد بنیادین و جهانی را شناسایی کرد. به باور هلیدی، این نقش‌ها ویژه کودکان نیستند، بلکه نشان‌دهنده کارکردهای اصلی زبان در حیات اجتماعی بزرگسالان نیز هستند. او تأکید می‌کند که نظام زبانی بزرگسالان به‌مراتب متنوع‌تر از کودکان است و دستور زبان، صرفاً ابزاری برای نظم‌بخشی به این نقش‌های گوناگون است (همان). نکته اساسی این است که یک گفته واحد می‌تواند هم‌زمان حاوی چندین نقش اجتماعی باشد.

۱. Functional Linguistics

۲. Halliday

۳. Malinowski

۳.۲. نقش‌های هفت‌گانه زبان

هفت نقشی که هلیدی (۱۹۷۳) برای زبان برشمرده و مبنای تحلیل در این پژوهش است، در جدول ۱ به‌طور خلاصه تعریف شده‌اند:

جدول ۱. تعاریف نقش‌های هفت‌گانه هلیدی (اقتباس از هلیدی، ۱۹۷۳؛ یاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۳)

نقش	کارکرد اصلی	شرح
ابزاری	برآوردن نیازها	برای بیان نیاز، درخواست مؤدبانه، یا ترغیب مخاطب برای برآورده ساختن نیازهای مادی گوینده به کار می‌رود.
نظارتی	کنترل رفتار	از طریق دستور دادن، هشدار و... رفتار مخاطب خاص را کنترل و نظم‌بخشی می‌کند. این نقش معمولاً در بافت‌های دارای قوانین مشخص رایج‌تر است.
تعاملی	برقراری ارتباط اجتماعی	برای ایجاد، حفظ و پایان دادن تعاملات اجتماعی، گفتگوهای دوستانه، تشویق، سلام و احوالپرسی به کار می‌رود.
شخصی	ابرازهویت و احساسات	به افراد امکان می‌دهد تا عواطف، حالات روحی، علایق و عقاید شخصی خود را بیان کنند.
تخیلی	خلق دنیای غیرواقعی	از طریق قصه‌پردازی، لطیفه، شعر و صحنه‌سازی‌های تخیلی، جهانی خیالی خلق می‌کند.
اکتشافی	کاوش و یادگیری	برای کسب اطلاعات و دانش درباره محیط پیرامون و فهم پدیده‌ها به کار می‌رود. هرگونه پرسش واقعی برای دانستن، در این نقش می‌گنجد.
اطلاع‌رسانی	انتقال اطلاعات	برای بیان واقعیت‌ها، گزارش رویدادها و رساندن پیام‌های عینی و دادگان استفاده می‌شود.

لازم به توضیح است که میان دو نقش ابزاری و نظارتی هم‌پوشی فراوانی وجود دارد، اما یک تفاوت اساسی میان آن‌ها برقرار است: در نقش ابزاری، تمرکز بر برآورده ساختن نیازها و خواسته‌های گوینده است، حال آنکه در نقش نظارتی، تمرکز بر مخاطب و کنترل رفتار او قرار دارد. در نتیجه، در نقش نظارتی، مشخص بودن مخاطب ضروری است (یاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۳).

۳.۳. اصل چندنقشی بودن جملات و تمایز «مفاهیم» و «نقش‌ها»

یکی از ارکان اصلی تحلیل نقش‌گرا و از نقاط قوت چارچوب هلیدی که پژوهش حاضر نیز بر آن تکیه دارد، این است که یک جمله واحد می‌تواند به‌طور هم‌زمان چندین نقش ایفا کند (هلیدی، ۱۹۷۳). برای درک این اصل، به این جمله از زبان فارسی توجه کنید: «از اینجا به بعد رو با موتور بری بهتره تا توی ترافیک گیر نکنی و به موقع برسی». این گزاره در آن واحد سه نقش را محقق می‌سازد: اطلاع‌رسانی (خبردادن از وضعیت ترافیک و مسافت)، نظارتی (دستور و هشدار پدرا نه)، و تعاملی (پیشنهاد دوستانه برای حل مسئله). بنابراین، تحلیل تک‌نقشی هر جمله، تصویری مخدوش از واقعیت کارکردی زبان به دست می‌دهد.

همین‌جا لازم است تمایز مهمی میان «مفاهیم»^۱ و «نقش‌ها»^۲ قائل شویم. مفهوم، شامل مقوله‌هایی مانند زمان، مکان، کمیت و فراوانی است که ویلکینز^۳ آن‌ها را مقوله‌های دستوری-معنایی می‌نامد. در مقابل، «نقش‌های ارتباطی»، همان «کاربردهای» زبان هستند؛ مانند درخواست کردن، دعوت کردن، پیشنهاد دادن و گله کردن. نکته مهم این است که نقش‌ها ارتباط مستقیمی با مقوله‌های دستوری یک زبان ندارند. برای مثال، گزاره‌های متفاوت «دوست دارید فلان‌جا برویم؟»، «چرا فلان‌جا برویم؟» و «برویم فلان‌جا!» همگی می‌توانند نقش «دعوت» را ایفا کنند (ژرمن، ۱۹۹۱: ۴۵).

بر همین اساس، ویلکینز و سپس جانسون (۱۹۸۱) یک برنامه درسی «نقش‌گرا»^۴ را معرفی کردند که هم‌زمان دربرگیرنده نقش‌های ارتباطی (نیت‌گوینده) و مفاهیم (محتوای گزاره‌ای) است (شکل ۱).

مفاهیم (مفهوم = برداشت)	نقش‌های ارتباطی (نقش = نیت)
زمان	درخواست کردن
فضا	دعوت کردن
مکان	توصیف کردن

شکل ۱. برنامه درسی نقش‌گرا (برگرفته از جانسون، ۱۹۸۱: ۴)

بنابراین، برای تحلیل نقش‌های زبانی در یک متن، باید به «نیت» متکلم و هدف او از به‌کارگیری صورت‌های زبانی توجه کرد. یک گفته واحد می‌تواند هم‌زمان دربرگیرنده چندین مفهوم و چندین نقش باشد. برای نمونه، جمله «مطمئن شو که فردا می‌آیی» می‌تواند هم‌زمان بیانگر نقش «قول گرفتن» و «دستور دادن» باشد (ژرمن، ۱۹۹۱: ۴۶-۴۷). این اصل، مبنای نظری دقیقی برای طرح کدگذاری چندنقشی در روش‌شناسی این پژوهش فراهم می‌آورد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و در چارچوب تحلیل محتوای کیفی-کمی^۵ با رویکرد قیاسی^۶ انجام شده است. در رویکرد قیاسی، مقولات تحلیل بر اساس چارچوب نظری از پیش موجود تعریف عملیاتی می‌شوند و سپس داده‌ها بر اساس آن مقولات، کدگذاری و تحلیل می‌گردند (شی و شانون، ۲۰۰۵). در این مطالعه، چارچوب نظری مبنای کار، نظریه نقش‌های هفت‌گانه هیلیدی (۱۹۷۳) است که شرح مبسوط آن در بخش چارچوب نظری ارائه گردید.

۴.۱. پیکره پژوهش

پیکره این پژوهش را دو منبع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در سطح پایه تشکیل می‌دهند که با توجه به ادعای صریح مؤلفان آن‌ها مبنی بر بهره‌گیری از رویکرد ارتباطی، به‌طور هدفمند انتخاب شده‌اند:

۱. Notions

۲. Functions

۳. Wilkins

۴. Functional Syllabus

۵. Mixed-Methods Content Analysis

۶. Deductive

• کتاب «فارسی عمومی ۱» از نسل پنجم مجموعه منابع آموزشی «پارسا»:

این کتاب، دومین جلد از مجموعه ۱۳ جلدی پارسا است و برای فارسی‌آموزانی طراحی شده است که الفبا را آموخته است و هم‌اکنون منبع اصلی آموزش زبان فارسی در شعب مراکز جامعه‌المصطفی‌العالمیه در سراسر جهان است. این مجموعه شامل یک جلد آموزش الفبا، سه جلد «فارسی عمومی» (کتاب‌های چهارمهارتی با تأکید بر مهارت گفتن)، و سه جلد مجزا برای هر یک از مهارت‌های شنیدن، خواندن و نوشتن می‌باشد. طبق اذعان مؤلفین، رویکرد حاکم بر این مجموعه، «ارتباطی تکلیف‌محور» است (کولیوندی و همکاران، ۱۴۰۲). در این پژوهش، «فارسی عمومی ۱» به دلیل «محوری بودن» این دسته از کتاب‌ها در مجموعه پارسا و پوشش هم‌زمان هر چهار مهارت زبانی، برای تحلیل انتخاب شده است. این کتاب شامل ۲۰ درس و یک ضمیمه شنیدن است.

• کتاب «فراز» (سطح پایه ۲) از مجموعه «فراز فارسی»:

کتاب «فراز» سطح پایه ۲ و درواقع دومین جلد از مجموعه ۱۲ جلدی فراز فارسی است که برای زبان‌آموزی طراحی شده که مرحله نوآموزی مطلق (پایه ۱) را پشت سر گذاشته است و با هدف آموزش فارسی با اهداف عمومی طراحی شده و سطح‌بندی آن در ۶ سطح اصلی برنامه‌ریزی شده است. هر سطح شامل یک کتاب درس، یک کتاب تمرین، یک کتاب معلم و داده‌های شنیداری است. در تدوین محتوای این مجموعه، یک الگوی بومی برگرفته از «چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی» مبنا قرار گرفته و در آن به آموزش هم‌زمان دستور، واژه، مهارت‌های چهارگانه و کارکردهای زبان توجه شده است. از ویژگی‌های شاخص آن، تلاش برای بازنمایی تمایز فارسی نوشتاری و گفتاری در داده‌های شنیداری است. کتاب درس «فراز» (سطح پایه ۲) شامل ۶ درس اصلی و یک بخش گفتگوی پایانی با عنوان «فرازنا» است.

انتخاب این دو کتاب برای مقایسه تطبیقی، هدفمند و به دلیل هم‌ترازی دقیق آن‌ها در نقطه شروع آموزشی (هر دو، کتاب دوم از مجموعه خود و بالاتر از سطح نوآموزی مطلق)، ادعای هر دو مبنی بر بهره‌گیری از رویکرد ارتباطی، و تفاوت در خاستگاه طراحی آن‌ها صورت گرفته است.

۴.۲. واحد تحلیل و شیوه‌نامه استخراج داده‌ها

واحد تحلیل در این پژوهش، «جمله» یا «گفته کامل» تعیین شد. یک جمله یا گفته کامل، واحدی از زبان است که یک کنش گفتاری مشخص را به‌طور کامل بیان می‌کند و از نظر آهنگ و نحو، استقلال نسبی دارد. برای استخراج نظام‌مند داده‌ها از پیکره، یک شیوه‌نامه واحد و تمام‌شماری برای هر دو کتاب اجرا گردید:

• **شمول:** کلیه جملات و گفته‌های کامل موجود در متن اصلی درس‌ها، گفتگوها، متون خواندن، تمرین‌های شنیداری (در صورتی که متن مکتوب آن‌ها در کتاب یا ضمیمه شنیدن موجود بود) و بخش گفتگوی پایانی کتاب فراز، تحلیل گردید.

• **عدم شمول:** موارد زیر از دایره تحلیل کنار گذاشته شدند: (الف) دستورالعمل‌های تمرین‌ها (مانند «جاهای خالی را پر کنید»)، (ب) توضیحات دستوری و فرازبانی (مانند صرف افعال)، (ج) فهرست واژگان، (د) جداولی که فاقد جمله‌بندی کامل بودند و صرفاً حاوی کلمات یا عبارات تکی بودند، و (ه) جملات ناقص^۱ ناشی از خطای OCR^۲ که معنای قابل فهمی نداشتند.

^۱. Garbled

^۲. Optical Character Recognition

پس از اعمال دقیق این شیوه‌نامه، بیکره نهایی کتاب «فارسی عمومی ۱» مشتمل بر ۱۵۵۵ جمله و کتاب «فراز» مشتمل بر ۳۴۶ جمله منحصر به فرد گردید. تفاوت در حجم بیکره، بازتابی طبیعی از تفاوت در طول، تعداد درس‌ها و حجم محتوای آموزشی دو کتاب است و از آنجا که مبنای مقایسه تطبیقی در این پژوهش، فراوانی نسبی (درصد) نقش‌ها نسبت به کل جملات هر کتاب است، این تفاوت حجم، هیچ‌گونه خللی در اعتبار مقایسه ایجاد نمی‌کند.

۴.۳. طرح کدگذاری^۱

برای تضمین شفافیت، تکرارپذیری و روایی پژوهش، یک طرح کدگذاری جامع، عملیاتی و دقیق بر اساس تعاریف نظری هیلیدی (۱۹۷۳) و با بهره‌گیری از نکات افتراقی مطرح‌شده توسط یاکوبسن و همکاران (۲۰۰۳) تدوین گردید. در این طرح، برای هر یک از نقش‌های هفت‌گانه، یک تعریف عملیاتی روشن، مثال‌های مثبت و مثال‌های مرزی (برای تعیین مرزهای دقیق نقش) ارائه شده است. جدول ۲، خلاصه‌ای از این طرح کدگذاری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. طرح کدگذاری عملیاتی نقش‌های هفت‌گانه هیلیدی در پژوهش حاضر

نقش	تعریف عملیاتی (هدف/نیت گوینده)	مثال‌های مثبت	نمونه‌های مرزی/غیر شمول
ابزاری	گوینده برای تأمین نیاز مادی خود، دریافت کالا/خدمت، یا ترغیب مخاطب به انجام کاری که مستقیماً به نفع گوینده است، سخن می‌گوید.	«می‌شود لطفاً پنجره را باز کنی؟»، «یک کیلو سیب لطفاً»، «یک تاکسی می‌خواهم»	«باید پنجره را باز کنی» اگر برای رعایت قانون باشد (← نظارتی).
نظارتی	گوینده با دستور دادن، هشدار دادن، توصیه‌های قوی یا الزام‌آور، به دنبال کنترل و نظم‌بخشی به رفتار مخاطب مشخص است.	«در را ببند»، «کتاب‌هایتان را باز کنید»، «باید استراحت کنی»، «مستقیم برو»	درخواست‌های مؤدبانه برای دریافت خدمت (← ابزاری).
تعاملی	هدف اصلی، ایجاد، حفظ یا پایان دادن ارتباط اجتماعی است. شامل آیین‌های کلامی (سلام، احوالپرسی، خداحافظی)، ابراز ادب (تشکر، عذرخواهی)، معرفی خود/دیگران، دعوت و تعارف.	«سلام، خوبی؟»، «خداحافظ»، «متشکرم»، «اسم من مریم است»، «بفرمایید»	پرسش‌های واقعی برای کسب اطلاعات (← اکتشافی).
شخصی	گوینده احساسات، عواطف، علائق یا عقاید شخصی خود را بیان می‌کند. شرط اساسی: فاعل جمله «من» باشد و جمله درباره خود گوینده.	«من خوشحالم»، «من عاشق سفر هستم»، «از این کار بدم می‌آید»، «دلیم درد می‌کند»	«او از کارش متنفر است» (← اطلاع‌رسانی درباره دیگری).
اکتشافی	گوینده یک پرسش واقعی و جدی برای کسب اطلاعات ناشناخته درباره جهان، موقعیت یا افراد می‌پرسد. نیت او یادگیری و فهمیدن است.	«ساعت چند است؟»، «قیمت این چند است؟»، «اهل کجا هستی؟»، «چکاره‌ای؟»	«حال شما خوب است؟»، «چه خبر؟»، «چطور می‌کنی؟»، «کاری نداری؟» (← تعاملی).

تخیلی	گوینده با استفاده از زبان، دنیایی غیرواقعی خلق می‌کند؛ از طریق قصه‌گویی، لطیفه، شعر، نمایشنامه یا فرض‌سازی‌های تخیلی.	«یکی بود یکی نبود...»، یک بیت از یک شعر، «اگر من پرنده بودم...»	بیان یک خاطره کاملاً واقعی (← اطلاع‌رسانی).
اطلاع‌رسانی	گوینده واقعیت‌ها، داده‌ها، اطلاعات عینی، رویدادهای رخ داده یا مشخصات اشیاء و افراد را منتقل می‌کند.	«تهران پایتخت ایران است»، «او پرستار است»، «دیروز باران آمد.»	بیان نظر شخصی (← شخصی).

نکته مهم در این طرح کدگذاری، مرزبندی شفاف میان پرسش‌های «اکتشافی» و «تعاملی» است. بر اساس این طرح، هرگونه پرسش که در بافت احوالپرسی آیینی، تعارف یا شروع یک گفتگوی اجتماعی قرار دارد و هدف آن صرفاً «ارتباط‌گیری» است نه «کسب اطلاعات جدی»، صرفاً در مقوله «تعاملی» کدگذاری می‌شود. این تمایز برای جلوگیری از خطاهای نظام‌مندی که در برخی پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شود، اتخاذ گردیده است.

همچنین، مطابق با اصل «چندنقشی بودن جملات» که در چارچوب نظری تبیین گردید، در این طرح کدگذاری، یک جمله می‌تواند به‌طور هم‌زمان چندین کد از نقش‌های هفت‌گانه را دریافت کند. برای مثال، جمله «لطفاً پنجره را باز کن، هوا خیلی گرم است» هم‌زمان کدهای ابزاری (درخواست)، اطلاع‌رسانی (بیان وضعیت هوا) و نظارتی (دستور غیرمستقیم) را خواهد گرفت.

۴.۴. فرایند کدگذاری و پایایی

برای تضمین روایی و پایایی داده‌ها و پاسخ به یکی از ضعف‌های عمده روش شناختی در پژوهش‌های پیشین، یک فرایند نظام‌مند و دقیق با مشارکت دو کدگذار مستقل طی شد:

۱. تدوین و تثبیت طرح کدگذاری: طرح اولیه توسط نویسندگان تدوین شد. سپس در چندین جلسه بحث و بررسی، تعاریف عملیاتی و مثال‌های مرزی اصلاح و نهایی گردید تا توافق کامل بر سر منطق کدگذاری حاصل شود.

۲. مطالعه آزمایشی و محاسبه پایایی بین کدگذاران: دو کدگذار (نویسندگان پژوهش)، به‌طور مستقل ۱۰٪ از کل پیکره (نمونه‌ای تصادفی شامل جملاتی از هر دو کتاب) را بر اساس طرح نهایی کدگذاری کردند. سپس، میزان توافق میان آن‌ها با استفاده از ضریب کاپا کوهن^۱ محاسبه گردید. مقدار کاپای به‌دست‌آمده ۰.۸۸ بود. بر اساس استانداردهای لندیس و کخ (۱۹۷۷)، این مقدار نشان‌دهنده سطح توافقی «تقریباً کامل» است و روایی و پایایی بالای طرح کدگذاری و دقت کدگذاران را تأیید می‌کند.

۳. کدگذاری نهایی پیکره: پس از تأیید پایایی، یکی از کدگذاران کل پیکره ۱۵۵۵ جمله‌ای پارسی و ۳۴۶ جمله‌ای فراز را تحلیل و کدگذاری کرد. در موارد اندکی که با ابهام مواجه می‌شد (کمتر از ۲٪ کل داده‌ها)، موضوع با کدگذار دوم مطرح و کد نهایی به‌صورت توافقی تعیین می‌گردید.

۴.۵. شیوه تحلیل داده‌ها

پس از اتمام کدگذاری، تمام داده‌ها در نرم‌افزار اکسل وارد و سازمان‌دهی شد. برای تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی^۲ شامل فراوانی^۳ و درصد فراوانی^۴ هر یک از نقش‌های

^۱.Cohen's Kappa

^۲.Descriptive Statistics

^۳.Frequency

^۴.Percentage

هفت‌گانه استفاده شد. این شاخص‌ها، نخست برای کل هر کتاب به‌صورت یکپارچه محاسبه گردید تا «الگوی ارتباطی غالب» آن کتاب مشخص شود. سپس، برای مشاهده روند تغییرات نقش‌ها در طول کتاب، فراوانی و درصد نقش‌ها به‌تفکیک هر درس نیز محاسبه و در جداول و نمودارهای مربوطه ارائه گردید. در نهایت، الگوهای به‌دست‌آمده از دو کتاب به‌صورت تطبیقی مقایسه و تحلیل شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل تمام‌شماری پیکره پژوهش، مشتمل بر ۱۵۵۵ جمله از کتاب «فارسی عمومی ۱» و ۳۴۶ جمله از کتاب «فراز»، یافته‌ها در شش گام سازمان‌دهی شده‌اند. این گام‌ها از ارائه یک تصویر توصیفی کلی از توزیع نقش‌ها آغاز می‌شوند و سپس با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری ((خی-دو، کوهن h و شاخص تنوع شانون)) به تحلیل استنباطی تفاوت‌ها می‌پردازند. در ادامه، روند تغییرات نقش‌ها در طول درس‌های هر کتاب بررسی شده و در نهایت، نیم‌رخ ارتباطی هر کتاب ترسیم می‌گردد. مبنای تمام مقایسه‌ها، فراوانی نسبی (درصد) است که تأثیر تفاوت در حجم نمونه‌ها را خنثی می‌کند. در گام نخست، مشخصات عمومی پیکره تحلیل شده ارائه می‌گردد.

۵.۱. مشخصات عمومی پیکره تحلیل شده

پیش از ورود به تحلیل نقش‌های زبانی، ارائه تصویری روشن از ابعاد و ساختار محتوای تحلیل شده در هر کتاب ضروری است. جدول ۳، مشخصات عمومی دو کتاب را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مشخصات عمومی پیکره تحلیل شده

ویژگی	پارسا (فارسی عمومی ۱)	فراز
تعداد درس‌ها	۲۰ درس	۶ درس
بخش‌های تحلیل شده	متن درس‌ها، گفتگوها، متون خواندن، ضمیمه شنیدن	متن درس‌ها، گفتگوها، متون خواندن، بخش گفتگوی پایانی
تعداد کل جملات تحلیل شده	۱۵۵۵	۳۴۶

همان‌گونه که از جدول ۳ پیداست، حجم محتوای تحلیل شده در کتاب «فارسی عمومی ۱» به میزان قابل‌توجهی بیش از کتاب «فراز» است. این تفاوت، ناشی از تفاوت در حجم کلی کتاب‌ها (۲۰ درس در مقابل ۶ درس) و وجود ضمیمه شنیدن در کتاب پارسا است. تأکید می‌شود که این تفاوت در فراوانی خام جملات، به‌هیچ‌وجه مانعی برای مقایسه تطبیقی نیست، چراکه مبنای تمام تحلیل‌های این بخش، فراوانی نسبی (درصد) خواهد بود که تأثیر تفاوت در حجم پیکره را به‌طور کامل خنثی می‌کند و امکان مقایسه مستقیم و منصفانه «الگوهای ارتباطی» دو کتاب را فراهم می‌سازد.

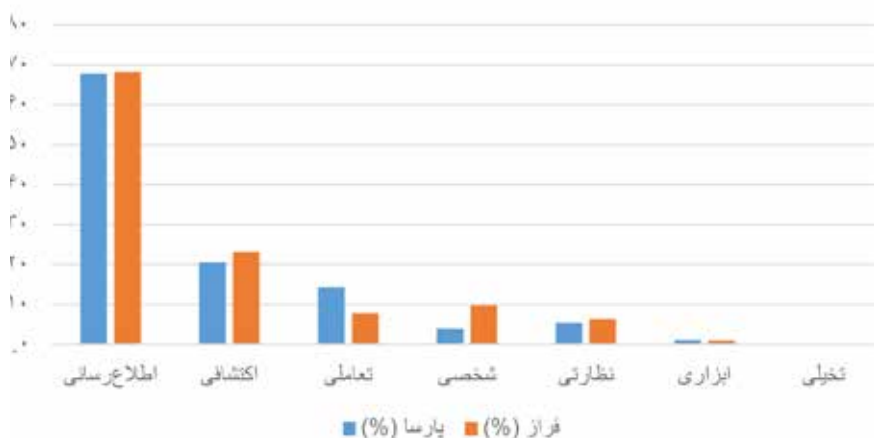
۵.۲. تصویر کلی و الگوی غالب نقش‌ها

جدول ۴ فراوانی و درصد فراوانی هر یک از نقش‌های هفت‌گانه را در دو کتاب به‌صورت تطبیقی نشان می‌دهد. به دلیل چندنقشی بودن برخی جملات، مجموع درصدها در هر کتاب از ۱۰۰٪ فراتر می‌رود. نمودار ۱ نیز این توزیع را به‌صورت بصری ارائه می‌دهد.

جدول ۴. فراوانی و درصد فراوانی نقش‌های هفت‌گانه در کتاب‌های «فارسی عمومی ۱» و «فراز»

نقش	پارسا (۱۵۵۵ جمله)	درصد (پارسا)	فراز (۳۴۶ جمله)	درصد (فراز)
اطلاعرسانی	۱۰۵۴	۶۷.۸٪	۲۳۶	۶۸.۲٪
اکتشافی	۳۱۸	۲۰.۵٪	۸۰	۲۳.۱٪
تعاملی	۲۲۳	۱۴.۳٪	۲۷	۷.۸٪
شخصی	۶۰	۳.۹٪	۳۴	۹.۸٪
نظارتی	۸۴	۵.۴٪	۲۲	۶.۴٪
ابزاری	۱۷	۱.۱٪	۳	۰.۹٪
تخیلی	۱	۰.۱٪	۰	۰.۰٪

مقایسه درصد فراوانی نقش‌های هفت‌گانه در دو کتاب



نمودار ۱: مقایسه درصد فراوانی نقش‌های هفت‌گانه در دو کتاب

تحلیل اولیه از جدول ۴ و نمودار ۱ نشان‌دهنده وجود هم‌جهتی‌های اساسی و نیز تفاوت‌های قابل‌تأمل میان دو کتاب است:

• **نقش غالب مشترک:** «اطلاعرسانی» در هر دو کتاب با اختلافی چشمگیر نسبت به سایر نقش‌ها، جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است (۶۷.۸٪ در پارسا و ۶۸.۲٪ در فراز). این امر حاکی از آن است که هر دو منبع در سطح پایه، اساساً بر محور انتقال اطلاعات عینی (معرفی خود و دیگران، توصیف اشیاء و مکان‌ها، گزارش رویدادها) طراحی شده‌اند.

• **رتبه‌های دوم و سوم:** «نقش اکتشافی» در هر دو کتاب به‌عنوان دومین نقش پرتکرار ظاهر می‌شود (۲۰.۵٪ در پارسا و ۲۳.۱٪ در فراز). اما در رتبه سوم، یک واگرایی مهم رخ می‌دهد: در پارسا، «نقش تعاملی» با ۱۴.۳٪ در جایگاه سوم ایستاده است، حال آنکه در فراز، «نقش شخصی» با ۹.۸٪ این جایگاه را تصاحب کرده و «نقش تعاملی» با ۷.۸٪ به رتبه چهارم تنزل یافته است.

• **تفاوت‌های بارز:** بیشترین شکاف میان دو کتاب در دو نقش «تعاملی» و «شخصی» مشاهده می‌شود. سهم نقش تعاملی در پارسا (۱۴.۳٪) تقریباً دو برابر فراز (۷.۸٪) است. در مقابل، سهم نقش شخصی در فراز (۹.۸٪) بیش از دو برابر پارسا (۳.۹٪) است. این دو تفاوت، نخستین نشانه‌ها از اولویت‌های ارتباطی متفاوت دو کتاب را آشکار می‌کند.

• **نقش‌های کم‌بسامد و غایب:** نقش‌های «نظارتی» و «ابزاری» در هر دو کتاب سهمی اندک (زیر ۷٪) دارند. «نقش تخیلی» در پارسا تنها یک بار (۰.۱٪) و در فراز صفر درصد ظاهر شده است که نشان‌دهنده غیبت تقریباً کامل این کارکرد ارتباطی در سطح پایه هر دو برنامه درسی است. این تصویر کلی، هم‌سویی دو کتاب را در اولویت‌دهی به کارکردهای ارجاعی (اطلاع‌رسانی و اکتشافی) تأیید می‌کند، اما هم‌زمان جهت‌گیری متفاوت آن‌ها را در توجه به کارکردهای تعاملی و شخصی برجسته می‌سازد. در گام بعدی، با استفاده از آزمون خی-دو، معناداری آماری این تفاوت‌ها در توزیع کلی نقش‌ها بررسی خواهد شد.

۵.۳. گام دوم: آزمون معناداری تفاوت در توزیع کلی نقش‌ها

برای آنکه مشخص شود آیا تفاوت‌های مشاهده‌شده در توزیع نقش‌های هفت‌گانه میان دو کتاب از نظر آماری معنادار است یا می‌توان آن را به تصادف نسبت داد، از آزمون خی-دو^۱ استفاده شد. این آزمون، استقلال دو متغیر طبقه‌ای (در اینجا: نوع کتاب و نوع نقش زبانی) را می‌سنجد. پیش‌فرض مهم تحلیل: با توجه به ماهیت چندنقشی جملات، یک جمله می‌تواند به‌طور هم‌زمان در شمارش چندین نقش سهمیم باشد. بنابراین، مجموع فراوانی نقش‌ها در هر کتاب از تعداد کل جملات آن کتاب بیشتر است. برای اجرای آزمون خی-دو، فراوانی خام مشاهده‌شده هر نقش به‌عنوان یک پیشامد مستقل در جدول توافقی وارد گردید. این رویکرد در مطالعات تحلیل محتوای چندنقشی رایج است و بر این فرض استوار است که تخصیص یک نقش به یک جمله، مستقل از تخصیص نقش‌های دیگر به همان جمله صورت می‌گیرد (نوبندورف، ۲۰۰۲).

جدول ۵. فراوانی مشاهده‌شده (O) و مورد انتظار (E) نقش‌ها در دو کتاب

نقش	پارسا (O)	پارسا (E)	فراز (O)	فراز (E)	جمع ردیف
اطلاع‌رسانی	۱۰۵۴	۱۰۵۰.۳	۲۳۶	۲۳۹.۷	۱۲۹۰
اکتشافی	۳۱۸	۳۲۴.۲	۸۰	۷۳.۸	۳۹۸
تعاملی	۲۲۳	۲۰۴.۱	۲۷	۴۵.۹	۲۵۰
شخصی	۶۰	۷۶.۹	۳۴	۱۷.۱	۹۴
نظارتی	۸۴	۸۶.۷	۲۲	۱۹.۳	۱۰۶
ابزاری	۱۷	۱۶.۴	۳	۳.۶	۲۰
تخیلی	۱	۰.۸	۰	۰.۲	۱
جمع ستون	۱۷۵۷	—	۴۰۲	—	۲۱۵۹

^۱. Chi-Square Test of Independence

محاسبه مقدار خی-دو (χ^2):

مقدار خی-دو از فرمول $\Sigma(O - E) / E$ برای تمام ۱۴ سلول محاسبه گردید. برای نمونه، محاسبه برای نقش «تعاملی» در کتاب فراز:

$$.۷.۷۸ \approx ۴۵.۹ / (۳۵۷.۲۱) = ۴۵.۹ / ۲(۴۵.۹ - ۲۷) \rightarrow ۴۵.۹ = E, ۲۷ = O$$

پس از جمع‌بندی تمام سلول‌ها، نتایج به شرح زیر به‌دست آمد:

- مقدار χ^2 محاسبه‌شده: ۸۳.۵۲
- درجه آزادی (df): $(۱-۷) \times (۱-۲) = ۶$
- مقدار P-value: کمتر از ۰.۰۰۱ (در سطح $\alpha = ۰.۰۵$ ، مقدار بحرانی χ^2 با $df=۶$ برابر با ۱۲.۵۹ است).

از آنجا که مقدار χ^2 محاسبه‌شده (۸۳.۵۲) به‌مراتب بزرگ‌تر از مقدار بحرانی (۱۲.۵۹) است، فرض صفر (مبنی بر استقلال دو متغیر و عدم تفاوت معنادار بین توزیع نقش‌ها در دو کتاب) با اطمینان ۹۹.۹٪ رد می‌شود. بنابراین، الگوی توزیع نقش‌های هفت‌گانه در دو کتاب «فارسی عمومی ۱» و «فراز» از نظر آماری تفاوت معناداری دارد.

این نتیجه، مجوز لازم برای ورود به تحلیل‌های عمیق‌تر تطبیقی را صادر می‌کند. در گام بعدی، با محاسبه اندازه اثر (کوهن h)، مشخص خواهد شد که کدام نقش‌ها بیشترین سهم را در ایجاد این تفاوت معنادار داشته‌اند.

۵.۴. گام سوم: تحلیل تطبیقی تک‌تک نقش‌ها با محاسبه اندازه اثر

پس از احراز معناداری آماری تفاوت کلی توزیع نقش‌ها در دو کتاب (گام دوم)، این گام به تحلیل دقیق تک‌تک نقش‌ها می‌پردازد تا مشخص شود کدام نقش‌ها بیشترین سهم را در ایجاد این تفاوت داشته‌اند. برای فراتر رفتن از گزارش صرف درصدها و تعیین «بزرگی» یا «اهمیت عملی» تفاوت‌ها، از شاخص اندازه اثر کوهن h (کوهن، ۱۹۸۸) استفاده شده است. این شاخص، تفاوت بین دو نسبت (درصد) را به یک مقیاس استاندارد تبدیل می‌کند. بر اساس معیارهای کوهن، مقادیر h برابر با ۰.۲۰، ۰.۵۰ و ۰.۸۰ به‌ترتیب معرف اندازه اثر «کوچک»، «متوسط» و «بزرگ» هستند. جدول ۶ نتایج این تحلیل تطبیقی را به همراه رتبه هر نقش در هر کتاب، تفاوت درصدی، و اندازه اثر نشان می‌دهد.

جدول ۶. تحلیل تطبیقی نقش‌های هفت‌گانه با رتبه، تفاوت درصدی و اندازه اثر (کوهن h)

نقش	رتبه در پارسا	درصد پارسا	رتبه در فراز	درصد فراز	تفاوت درصدی (پارسا - فراز)	کوهن h	اندازه اثر
اطلاع‌رسانی	۱	۶۷.۸٪	۱	۶۸.۲٪	-۰.۴	۰.۰۱	ناچیز
اکتشافی	۲	۲۰.۵٪	۲	۲۳.۱٪	-۲.۶	۰.۰۶	ناچیز
تعاملی	۳	۱۴.۳٪	۴	۷.۸٪	۶.۵	۰.۲۱	کوچک
شخصی	۵	۳.۹٪	۳	۹.۸٪	-۵.۹	۰.۲۴	کوچک-متوسط
نظارتی	۴	۵.۴٪	۵	۶.۴٪	-۱.۰	۰.۰۴	ناچیز
ابزاری	۶	۱.۱٪	۶	۰.۹٪	۰.۲	۰.۰۲	ناچیز
تخیلی	۷	۰.۱٪	۷	۰.۰٪	۰.۱	۰.۰۶	ناچیز

تحلیل یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت دو کتاب عمدتاً در دو نقش تعاملی و شخصی متمرکز است:

- نقش تعاملی ($h = 0.21$)، اندازه اثر کوچک): این نقش در پارسا ۱۴.۳٪ و در فراز ۷.۸٪ از کل نقش‌ها را تشکیل می‌دهد. کتاب پارسا تقریباً دو برابر فراز به این نقش پرداخته و آن را در رتبه سوم نشانده، درحالی‌که در فراز در رتبه چهارم قرار دارد. این یافته نشان‌دهنده وزن بیشتر ارتباطات اجتماعی آیینی (سلام، احوالپرسی، تشکر، معرفی) در کتاب پارسا نسبت به فراز است.

- نقش شخصی ($h = 0.24$)، اندازه اثر کوچک-متوسط): این نقش که بیانگر ابراز احساسات و عقاید فردی است، در فراز ۹.۸٪ و در پارسا تنها ۳.۹٪ سهم دارد. فراز بیش از دو برابر پارسا به این کارکرد پرداخته و آن را در رتبه سوم خود جای داده است. این نشان می‌دهد که فراز فضای بیشتری برای ابراز وجود و عواطف شخصی زبان‌آموز در نظر گرفته است.

- در مقابل، سه نقش اطلاع‌رسانی ($h = 0.01$)، اکتشافی ($h = 0.06$) و نظارتی ($h = 0.04$) تفاوت‌های ناچیزی را بین دو کتاب نشان می‌دهند و اساساً الگوی مشابهی دارند. دو کتاب در اولویت‌بندی به این سه نقش تقریباً هم‌جهت هستند.

- نقش ابزاری و نقش تخیلی نیز در هر دو کتاب در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند و تفاوت میان آن‌ها ناچیز است (h به ترتیب ۰.۰۲ و ۰.۰۶). غیبت یا حضور بسیار کم‌رنگ نقش تخیلی در هر دو کتاب در سطح پایه قابل تأمل است.

در مجموع، تحلیل اندازه اثر نشان می‌دهد که با وجود معناداری کلی تفاوت دو کتاب در آزمون خی-دو، این تفاوت عمدتاً ناشی از جهت‌گیری متفاوت آن‌ها در دو کارکرد تعاملی و شخصی است، درحالی‌که در سایر کارکردها، شباهت قابل توجهی دارند. در گام چهارم، با استفاده از شاخص تنوع شانون، بررسی خواهد شد که کدام کتاب از توزیع متوازن‌تری از نقش‌ها برخوردار است.

۵.۵. گام چهارم: تحلیل تنوع و یکنواختی توزیع نقش‌ها

برای سنجش میزان «تبادل» و «غنای کارکردی» در توزیع نقش‌های هفت‌گانه، از شاخص تنوع شانون-وینر^۱ () استفاده شد. این شاخص که با نماد H نشان داده می‌شود، دو بعد را هم‌زمان در نظر می‌گیرد: تعداد مقولات (غنا) و یکنواختی توزیع فراوانی آن‌ها. هرچه توزیع نقش‌ها متوازن‌تر باشد و به یک نقش خاص متکی نباشد، مقدار H بالاتر خواهد بود. فرمول محاسبه به صورت $H = -\sum (p_i \times \ln p_i)$ است که در آن p_i نسبت فراوانی هر نقش به کل نقش‌ها در آن کتاب است (شانون و وینر، ۱۹۴۹). برای مقولات با فراوانی صفر (نقش تخیلی در فراز)، لگاریتم تعریف نشده است و طبق قرارداد از محاسبه حذف می‌شوند.

مبنای محاسبه، فراوانی کل نقش‌ها (نه جملات) است: ۱۷۵۷ مورد برای پارسا و ۴۰۲ مورد برای فراز. جدول ۷، گام‌های محاسبه را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

۱. Shannon-Wiener Diversity Index

جدول ۷. محاسبه شاخص تنوع شانون (H) برای دو کتاب

نقش	فراوانی پارسا	$p_i \times \ln(p_i)$ پارسا	فراوانی فراوانی	$p_i \times \ln(p_i)$ فراوانی	فراز $p_i \times \ln(p_i)$
اطلاع‌رسانی	۱۰۵۴	۰.۵۹۹۹	۲۳۶	-۰.۳۰۶۴	-۰.۳۱۲۳
اکتشافی	۳۱۸	۰.۱۸۱۰	۸۰	-۰.۳۰۹۱	-۰.۳۲۱۲
تعاملی	۲۲۳	۰.۱۲۶۹	۲۷	-۰.۲۶۱۹	-۰.۱۸۱۴
شخصی	۶۰	۰.۰۳۴۱	۳۴	-۰.۱۱۵۲	-۰.۲۰۸۹
نظارتی	۸۴	۰.۰۴۷۸	۲۲	-۰.۱۴۵۴	-۰.۱۵۹۰
ابزاری	۱۷	۰.۰۰۹۷	۳	-۰.۰۴۵۰	-۰.۰۳۶۷
تخیلی	۱	۰.۰۰۰۶	۰	-۰.۰۰۰۴۵	—
جمع	۱۷۵۷	—	۴۰۲	-۱.۱۸۷۵	-۱.۲۱۹۵
H، محاسبه‌شده			۱.۱۸۷۵		۱.۲۱۹۵

نتایج نشان می‌دهد:

• شاخص تنوع پارسا: $H = ۱.۱۸۷۵$

• شاخص تنوع فراز: $H = ۱.۲۱۹۵$

مقدار H، در فراز اندکی بالاتر از پارسا است. این اختلاف هرچند بزرگ نیست، اما نشان‌دهنده این است که توزیع نقش‌ها در کتاب فراز از «یکنواختی» نسبی بیشتری برخوردار است. دلیل اصلی این امر را می‌توان در دو عامل جستجو کرد:

۱. **تکیه کمتر فراز بر نقش غالب:** هرچند در هر دو کتاب اطلاع‌رسانی سهمی نزدیک به ۶۸٪

دارد، اما در فراز، سهم نقش‌های بعدی (به‌ویژه شخصی و اکتشافی) قدری متوازن‌تر توزیع شده است.

۲. **سهم بسیار پایین نقش تعاملی در فراز:** جالب آنکه کاهش چشمگیر نقش تعاملی در

فراز (۷.۸٪ در مقابل ۱۴.۳٪ در پارسا) باعث نشده که شاخص تنوع فراز کاهش یابد، زیرا این «خلاً» عمدتاً توسط نقش شخصی (۹.۸٪ در فراز در مقابل ۳.۹٪ در پارسا) پر شده و در نتیجه از تمرکز بر یک نقش کاسته است.

در مقابل، در پارسا سهم بالایی نقش تعاملی (۱۴.۳٪) در کنار سهم بسیار پایین نقش شخصی (۳.۹٪)، توزیع را اندکی نامتوازن‌تر ساخته است.

به‌طور خلاصه، کتاب فراز از نظر توزیع نقش‌های ارتباطی، نیم‌رخ کمی متوازن‌تر و متنوع‌تری نسبت به کتاب پارسا ارائه می‌دهد، اگرچه تفاوت در مقادیر H، چشمگیر نیست و هر دو کتاب همچنان به‌شدت به نقش اطلاع‌رسانی متکی هستند. در گام پنجم، روند تغییرات نقش‌ها در طول درس‌های هر کتاب تحلیل خواهد شد تا مشخص شود آیا این الگوها در سراسر کتاب ثابت بوده‌اند یا در طول زمان تغییر کرده‌اند.

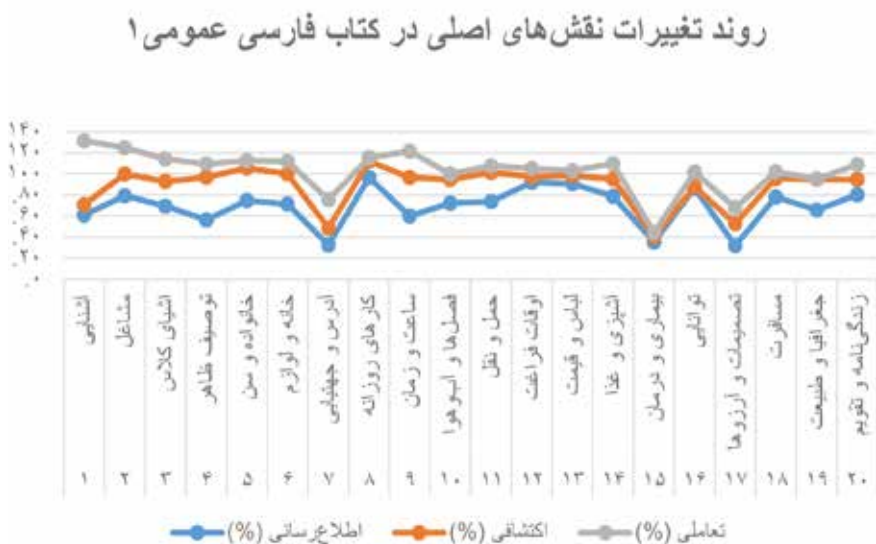
۵.۶. گام پنجم: تحلیل روند درسی

برای درک عمیق‌تر از پویایی کارکردی کتاب‌ها، بررسی روند تغییرات نقش‌ها در طول

درس‌ها ضروری است. این تحلیل مشخص می‌کند که آیا الگوی ارتباطی کتاب در سراسر آن یکنواخت است یا متناسب با موضوع و هدف هر درس، دچار نوسان می‌شود. برای این منظور، درصد فراوانی سه نقش محوری (اطلاع‌رسانی، تعاملی و اکتشافی) که مجموعاً بیش از ۹۰٪ نقش‌ها را در هر دو کتاب تشکیل می‌دهند، به تفکیک درس محاسبه و در نمودار ۲ (برای پارسا) و نمودار ۳ (برای فراز) ترسیم گردید.

۵.۶.۱. روند تغییرات نقش‌ها در کتاب «فارسی عمومی ۱» (پارسا)

نمودار ۲ روند درصدی سه نقش اصلی را در ۲۰ درس پارسا نشان می‌دهد.



نمودار ۲. روند تغییرات درصد نقش‌های اطلاع‌رسانی، اکتشافی و تعاملی در کتاب «فارسی عمومی ۱»

تحلیل روند در پارسا نشان می‌دهد:

• **اطلاع‌رسانی:** این نقش در تمام درس‌ها حضور غالب دارد، اما درصد آن دچار نوسان است. در درس‌هایی با موضوع توصیف عینی (مانند درس ۸ «کارهای روزانه» با ۹۶.۶٪ و درس ۱۲ «اوقات فراغت» با ۹۲.۱٪) به اوج می‌رسد. در مقابل، در درس‌هایی که بافت تعاملی یا نظارتی قوی‌تری دارند (مانند درس ۱ «آشنایی» با ۶۰.۸٪، درس ۷ «آدرس» با ۳۲.۴٪ و درس ۱۷ «آرزوها» با ۳۱.۹٪)، سهم آن به‌طور معناداری کاهش می‌یابد.

• **تعاملی:** اوج این نقش در درس ۱ «آشنایی» (۶۰.۸٪) کاملاً منطقی است، چراکه موضوع درس، سلام، احوالپرسی و معرفی خود است. پس از آن، سیر نزولی پیدا می‌کند و در اغلب درس‌ها بین ۳٪ تا ۲۵٪ نوسان دارد. جهش دوباره آن در درس ۷ «آدرس» (۲۷٪) و درس ۹ «ساعت و زمان» (۲۵٪) نشان‌دهنده بافت‌های مکالمه‌ای این درس‌هاست.

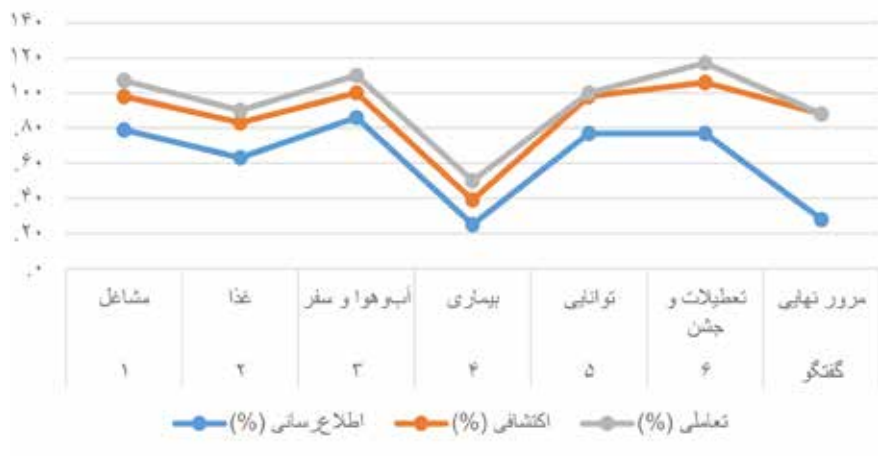
• **اکتشافی:** این نقش در درس‌های ۴ «توصیف ظاهر» (۴۰.۶٪) و ۵ «خانواده و سن» (۳۱٪) و ۹ «ساعت و زمان» (۳۶.۷٪) به اوج می‌رسد که نشان‌دهنده تمرکز این درس‌ها بر پرسش و پاسخ است. در

درس‌هایی با محوریت توصیف (مانند ۸ و ۱۲) به حداقل می‌رسد. الگوی کلی پارسا نشان‌دهنده طراحی بافت‌محور است: نقش‌ها متناسب با موضوع درس و موقعیت ارتباطی هدف، افزایش یا کاهش می‌یابند.

۵.۶.۲. روند تغییرات نقش‌ها در کتاب «فراز»

نمودار ۳ روند درصدی سه نقش اصلی را در ۶ درس و بخش گفتگوی فراز نشان می‌دهد.

روند تغییرات نقش‌های اصلی در کتاب فراز



نمودار ۳. روند تغییرات درصد نقش‌های اطلاع‌رسانی، اکتشافی و تعاملی در کتاب «فراز»

تحلیل روند در فراز نشان می‌دهد:

- **اطلاع‌رسانی:** مشابه پارسا، این نقش غالب است، اما نوسان آن شدیدتر است. در درس ۳ «آبوهوا و سفر» به ۸۵.۷٪ می‌رسد و در درس ۴ «بیماری» به شدت به ۲۵٪ سقوط می‌کند. این سقوط هم‌زمان با جهش «نظارتی» (۳۲.۱٪) و «شخصی» (۲۱.۴٪) در همان درس است که نشان‌دهنده طراحی موقعیتی پزشک-بیمار است.
 - **تعاملی:** اوج آن در بخش گفتگو (۴۴٪) است که بافت آن دقیقاً تعاملات خرید و سفارش است. در سایر درس‌ها بین ۵٪ تا ۱۳٪ نوسان دارد.
 - **اکتشافی:** در بخش گفتگو به اوج خود (۶۰٪) می‌رسد که ماهیت پرسش‌محور این بخش را نشان می‌دهد. در سایر درس‌ها بین ۱۴٪ تا ۲۹٪ قرار دارد.
- مشابه پارسا، فراز نیز الگوی بافت‌محور را نشان می‌دهد: جهش نقش‌ها در درس‌های خاص، بازتابی از تغییر موقعیت ارتباطی (پزشکی، خرید، احوالپرسی) است.

۵.۶.۳. مقایسه تطبیقی روندها

مقایسه دو کتاب از منظر روند درسی نشان می‌دهد:

- هر دو کتاب از طراحی بافت‌محور بهره برده‌اند و نقش‌ها به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند.
- پارسا به دلیل تعداد بیشتر درس‌ها، امکان پرداختن به بافت‌های متنوع‌تری (آدرس دادن، آرزوها، مسافرت) را داشته است. این تنوع بافتی، خود را در نوسان بیشتر درصدها نشان می‌دهد.
- فراز با وجود درس‌های کمتر، جهش‌های نمایشی‌تری دارد (مانند سقوط اطلاع‌رسانی در درس بیماری). این نشان‌دهنده آن است که هر درس فراز به‌طور مشخص بر یک بافت ارتباطی خاص متمرکز شده است.

- یک تفاوت جالب، سهم تعاملی در درس اول است: در پارسا ۸۰٪ و در فراز (بخش اول) حدود ۷-۹٪. این نشان می‌دهد که پارسا با یک غوطه‌وری کامل در تعاملات اجتماعی آغاز می‌شود، درحالی‌که فراز از همان ابتدا وزن بیشتری به اطلاع‌رسانی و اکتشاف می‌دهد. در گام ششم و پایانی، با تلفیق تمام یافته‌ها، نیمرخ ارتباطی هر کتاب ترسیم خواهد شد.

۵.۷. گام ششم: تلفیق نهایی و ترسیم نیمرخ ارتباطی

پس از تحلیل‌های توصیفی و استنباطی در گام‌های پیشین، اکنون می‌توان با تجمیع یافته‌ها، یک «نیمرخ ارتباطی»^۱ برای هر کتاب ترسیم کرد. این نیمرخ، خلاصه‌ای از نقاط قوت و ضعف کارکردی هر کتاب را بر اساس نظریه نقش‌های هفت‌گانه هلیدی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که هر کتاب، زبان‌آموز را برای کدام نوع از تعاملات اجتماعی آماده می‌کند و از کدام کارکردها غفلت می‌ورزد.

نیمرخ ارتباطی کتاب «فارسی عمومی ۱» (پارسا):

کتاب پارسا، یک منبع آموزشی با محوریت «اطلاع‌رسانی» است که تقریباً هفتاد درصد از محتوای آن به انتقال اطلاعات عینی اختصاص دارد. با این حال، این کتاب یک ویژگی متمایز دارد: تأکید قابل توجه بر نقش تعاملی (۱۴.۳٪، رتبه سوم). این بدان معناست که پارسا از همان درس نخست (با ۸۰.۶٪ سهم تعاملی)، زبان‌آموز را در فضایی سرشار از سلام و احوالپرسی، معرفی خود و دیگری، تشکر، عذرخواهی و دیگر آیین‌های ارتباطی غوطه‌ور می‌کند. پارسا به زبان‌آموز می‌آموزد که «چگونه ارتباط اجتماعی را آغاز، حفظ و پایان دهد». این جهت‌گیری، به‌ویژه برای زبان‌آموزانی که نیاز به تعاملات اجتماعی روزمره و رسمی دارند، بسیار سودمند است. با این حال، نقطه ضعف پارسا، کم‌توجهی نسبی به نقش شخصی (۳.۹٪) است. این کتاب فضای اندکی برای ابراز احساسات، عواطف و هویت فردی زبان‌آموز فراهم می‌کند و در این حوزه، زبان‌آموز را کم‌توان باقی می‌گذارد. همچنین، نقش تخیلی تقریباً در سراسر کتاب غایب است. الگوی تغییرات درسی در پارسا هوشمندانه و بافت‌محور است، به‌طوری‌که نقش‌های نظارتی و ابزاری در درس‌های مرتبط (آدرس دادن، خرید، درمان) به‌موقع ظاهر می‌شوند.

نیمرخ ارتباطی کتاب «فراز»

کتاب فراز نیز همچون پارسا، اطلاع‌رسانی را به‌عنوان ستون فقرات خود قرار داده است (۶۸.۲٪). اما این کتاب، مسیر متفاوتی را در توزیع سایر نقش‌ها در پیش گرفته است. ویژگی متمایز فراز، توجه

^۱. Communicative Profile

بیشتر به نقش شخصی (۹.۸٪، رتبه سوم) و نقش اکتشافی (۲۳.۱٪، رتبه دوم) است. این بدان معناست که فراز، فراتر از آموزش تعاملات آیینی، زبان‌آموز را به «پرسشگری درباره محیط» و «بیان احساسات و علایق شخصی خود» تشویق می‌کند. زبان‌آموز در فراز یاد می‌گیرد که پرسد، کشف کند و درباره خودش حرف بزند. در مقابل، نقطه ضعف فراز، توجه کمتر به نقش تعاملی (۷.۸٪) در مقایسه با پارسا است. این کتاب، وزن کمتری به آیین‌های ارتباطی (سلام، تشکر، خداحافظی) داده و بنابراین، ممکن است زبان‌آموز را برای برخی از تعاملات رسمی و اجتماعی روزمره، کم‌تجربه‌تر بار آورد. با این حال، بر اساس شاخص شانون، فراز از توزیع کمی متوازن‌تر نقش‌ها ($H=1.2195$)، در مقابل ($H=1.1875$) برخوردار است که نشان‌دهنده غنای کارکردی نسبی بیشتر آن است. الگوی درسی فراز نیز مشابه پارسا، بافت‌محور و هدفمند است، با این تفاوت که جهش‌های موضوعی آن (مانند درس بیماری) برجسته‌تر است.

جدول ۸. خلاصه نیم‌رخ ارتباطی تطبیقی دو کتاب

ویژگی	پارسا (فارسی عمومی ۱)	فراز
نقش غالب	اطلاع‌رسانی (۶۷.۸٪)	اطلاع‌رسانی (۶۸.۲٪)
اولویت دوم و سوم	تعاملی < اکتشافی	شخصی < اکتشافی
نقطه قوت اصلی	تأکید بر تعامل اجتماعی (نقش تعاملی ۱۴.۳٪)	تأکید بر فردیت و پرسشگری (نقش شخصی ۹.۸٪ + اکتشافی ۲۳.۱٪)
نقطه ضعف اصلی	کم‌توجهی به ابراز احساسات فردی (نقش شخصی ۳.۹٪)	کم‌توجهی به آیین‌های ارتباطی (نقش تعاملی ۷.۸٪)
تنوع کارکردی (H)	۱.۱۸۷۵ (کمی نامتوازن‌تر)	۱.۲۱۹۵ (کمی متوازن‌تر)
نقش‌های مغفول	تخیلی (۰.۱٪)، ابزار (۱.۱٪)	تخیلی (۰٪)، ابزاری (۰.۹٪)
الگوی طراحی	بافت‌محور، با شروع پر قدرت تعاملی	بافت‌محور، با جهش‌های موضوعی قوی

در مجموع، هر دو کتاب در سطح پایه، بنیان محکمی در اطلاع‌رسانی و پرسشگری (اکتشافی) فراهم می‌آورند، اما در انتخاب مسیر فرعی خود واگرایی نشان می‌دهند: پارسا به سمت «جامعه‌پذیری» و فراز به سمت «فردیت و کشف» گرایش دارد. هر دو کتاب نیازمند توجه بیشتری به کارکردهای ابزاری (درخواست‌های واقعی) و به‌ویژه کارکرد تخیلی برای پرورش خلاقیت زبانی زبان‌آموزان هستند.

تحلیل تطبیقی نشان داد که الگوی ارتباطی دو کتاب، با وجود شباهت در غلبه اطلاع‌رسانی، تفاوت معناداری دارد ($\chi^2=0.001 > p, 83.52$) این تفاوت عمدتاً ریشه در وزن‌دهی متفاوت به نقش‌های تعاملی (به نفع پارسا) و شخصی (به نفع فراز) دارد. این دو کتاب، دو فلسفه آموزشی متفاوت را در سطح پایه نمایندگی می‌کنند که دلالت‌های مهمی برای انتخاب منبع متناسب با نیازهای زبان‌آموزان دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تطبیقی الگوی ارتباطی کتاب‌های «فارسی عمومی ۱» از مجموعه پارسا و «فراز» بر اساس نقش‌های هفت‌گانه هلیدی انجام شد. در این بخش، یافته‌ها در پرتو چارچوب نظری و پیشینه پژوهش تفسیر می‌شوند، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود و دلالت‌های آموزشی و پژوهشی آن تبیین می‌گردد.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که هر دو کتاب در سطح پایه، «اطلاع‌رسانی» را به‌عنوان نقش غالب خود برگزیده‌اند (۶۷.۸٪ در پارسا و ۶۸.۲٪ در فراز). این هم‌جهتی، بازتابی از ضرورت‌های سطح پایه در هر برنامه درسی ارتباطی است: زبان‌آموز نوآموز، پیش از هر چیز نیازمند آن است که بتواند واقعیت‌های عینی پیرامون خود را نام‌گذاری، توصیف و گزارش کند. این یافته با نتایج رضایی و علی‌پور (۱۳۹۱) که «اطلاع‌رسانی» را از نقش‌های پرتکرار یافتند، هم‌خوانی دارد، هرچند در مطالعه آنان به دلیل ضعف در تفکیک پرسش‌های تعاملی و اکتشافی، «تعاملی» به‌اشتباه غالب شده بود.

اما جایی که دو کتاب واگرایی نشان می‌دهند، در اولویت‌بندی نقش‌های فرعی است. پارسا با تخصیص ۱۴.۳٪ از محتوای خود به «نقش تعاملی»، نشان می‌دهد که دغدغه اصلی‌اش، جامعه‌پذیر کردن زبان‌آموز و تجهیز او به آیین‌های ارتباطی (سلام، احوالپرسی، تشکر، معرفی) است. این یافته با نتایج طهماسبی و عطاریان (۱۴۰۲) که «تعاملی» را در صدر نقش‌های پارسا یافتند، هم‌جهت است، هرچند در مطالعه حاضر، این نقش در رتبه سوم و پس از اطلاع‌رسانی و اکتشافی قرار گرفت. این تفاوت رتبه، احتمالاً ناشی از سخت‌گیری روش‌شناختی پژوهش حاضر در قائل شدن تمایز میان «پرسش‌های تعاملی/تعارفی» و «پرسش‌های اکتشافی واقعی» است که به کاهش سهم تعاملی در مطالعات پیشین و افزایش آن در مطالعه طهماسبی منجر شده بود.

در مقابل، کتاب فراز با اختصاص ۹.۸٪ از محتوای خود به «نقش شخصی»، جهت‌گیری متفاوتی را اتخاذ کرده است. این کتاب، فضای بیشتری برای «ابراز وجود» زبان‌آموز فراهم می‌کند: بیان احساسات، علایق، دردها و آرزوهای فردی. همچنین، سهم بالاتر «نقش اکتشافی» در فراز (۲۳.۱٪ در مقابل ۲۰.۵٪) نشان‌دهنده تشویق بیش‌تر زبان‌آموز به پرسشگری و کاوش در محیط است. این دو ویژگی در کنار هم، فراز را به منبعی متمایل به «فردیت و کشف» تبدیل کرده‌اند.

تحلیل روند درسی نیز آشکار ساخت که هر دو کتاب از طراحی بافت‌محور بهره می‌برند و نقش‌ها متناسب با موضوع درس تغییر می‌کنند. برای نمونه، جهش «نظارتی» در درس بیماری هر دو کتاب، یا ظهور «ابزاری» در درس خرید و سفارش، نشان‌دهنده آگاهی مؤلفان از کارکردهای موقعیتی زبان است.

پژوهش حاضر با سه پرسش اصلی آغاز شد که اکنون می‌توان به آن‌ها پاسخ داد:

پرسش ۱: توزیع نقش‌های هفت‌گانه هلیدی در هر یک از دو کتاب چگونه است و چه الگویی را نشان می‌دهد؟

الگوی ارتباطی هر دو کتاب، اطلاع‌رسانی-محور است. در پارسا، به‌ترتیب اطلاع‌رسانی، اکتشافی و تعاملی سه نقش نخست هستند و در فراز، اطلاع‌رسانی، اکتشافی و شخصی. بنابراین، پارسا الگوی «جامعه‌پذیری» و فراز الگوی «فردیت و کشف» را نمایندگی می‌کنند.

پرسش ۲: چه شباهت‌ها و تفاوت‌های معناداری در الگوهای ارتباطی دو کتاب وجود دارد؟
شباهت‌ها شامل غلبه اطلاع‌رسانی، سهم تقریباً برابر اکتشافی، و سهم اندک ابزاری و تخیلی در هر دو کتاب است. تفاوت‌ها عمدتاً در دو نقش تعاملی (به نفع پارسا) و شخصی (به نفع فراز) معنادار است. آزمون خی-دو ($p > 0.001^2$) تأیید کرد که الگوی کلی دو کتاب از نظر آماری تفاوت معناداری دارد. اندازه اثر کوهن h نیز نشان داد که این تفاوت برای نقش تعاملی «کوچک» ($h = 0.21$) و برای نقش شخصی «کوچک تا متوسط» ($h = 0.24$) است.

پرسش ۳: چه دلالت‌های آموزشی برای بهبود منابع آموزش زبان فارسی وجود دارد؟
یافته‌ها نشان می‌دهد که انتخاب میان این دو کتاب، یک انتخاب صرفاً آموزشی نیست، بلکه انتخابی است مبتنی بر نیازهای ارتباطی زبان‌آموز. اگر هدف، آماده‌سازی زبان‌آموز برای تعاملات اجتماعی رسمی و روزمره است، پارسا با تأکید بر نقش تعاملی، انتخاب مناسب‌تری به نظر می‌رسد. اگر هدف، پرورش زبان‌آموزی پرسشگر، خودابرازگر و مستقل است، فراز با سهم بالاتر شخصی و اکتشافی، مؤثرتر خواهد بود. با این حال، هر دو کتاب در پرورش «تخیلی» (خلاصیت زبانی) و «ابزاری» (درخواست‌های واقعی) ضعف دارند و نیازمند بازنگری در این حوزه‌ها هستند.

منابع

- ابراهیمی، م. (۱۴۰۲). تحلیل مقایسه‌ای نقش‌های هفت‌گانه هیلیدی در کتاب‌های آموزش زبان «فارسی بیاموزیم» و «پارسا خواندن». مطالعات بین‌المللی آموزش زبان فارسی، ۹(۱۷)، ۲۳۱-۲۵۰
- تبریزمنش، م. (۱۳۸۷). بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فراتنش تجربی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- رضاخانی، ف. (۱۳۸۵). بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم (آموزش زبان فارسی) از منظر فراتنش بینافردی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- رضایی، م. و علی‌پور، م. (۱۳۹۱). بررسی متون خوانداری مجموعه «فارسی بیاموزیم» بر اساس نقش‌های هفت‌گانه زبان از دیدگاه هیلیدی. مجله پژوهش‌های زبانشناسی، ۴(۱)، ۱-۲۰.
- ژرمن، ک. (۱۹۹۱). رویکرد ارتباطی در آموزش زبان. ترجمه ر. رحمتیان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- طهماسبی، ح. و عطاریان، ع. (۱۴۰۲). بررسی کتاب‌های فارسی عمومی از مجموعه کتاب‌های آموزش زبان فارسی «پارسا» بر اساس نقش‌های هفت‌گانه هیلیدی. مطالعات بین‌المللی آموزش زبان فارسی، ۹(۱۷)، ۲۵۱-۲۸۰.
- غفاری مهر، م. (۱۳۸۳). بررسی دو مجموعه آموزشی آزا و فارسی بیاموزیم از دیدگاه نقش‌گرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- قاضی‌زاده، خ. و قنصولی، ب. (۱۳۸۹). بررسی گونه کاربردی زبان نوشتاری در وسایل نقلیه پرون‌شهری بر اساس نظریه نقش‌های هفت‌گانه زبان از دیدگاه هیلیدی. مجله مطالعات زبان و ترجمه، ۱(۱)، ۱۱۱-۱۲۵.
- کولیوندی، ا. و همکاران. (۱۴۰۲). پارسا فارسی عمومی ۱. قم: مرکز نشر جامعه‌المصطفی.

- Cohen, J. (۱۹۸۸). Statistical power analysis for the behavioral sciences (۲nd ed.). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Halliday, M. A. K. (۱۹۷۳). Explorations in the functions of language. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (۱۹۷۸). Language as social semiotic: The social interpretation of language and meaning. London: Edward Arnold.
- Hymes, D. (۱۹۷۲). On communicative competence. In J. B. Pride & J. Holmes (Eds.), Sociolinguistics: Selected readings (pp. ۲۹۳-۲۶۹). Harmondsworth: Penguin.
- Jacobson, E., Degener, S., & Purcell-Gates, V. (۲۰۰۳). Creating authentic materials and activities for the adult literacy classroom: A handbook for practitioners. New York: NCSALL.
- Johnson, K. (۱۹۸۱). Communication in the classroom: Applications and methods for a communicative approach. Harlow: Longman.
- Landis, J. R., & Koch, G. G. (۱۹۷۷). The measurement of observer agreement for categorical data. Biometrics, ۱۷۴-۱۵۹, (۱)۳۳.
- Neuendorf, K. A. (۲۰۰۲). The content analysis guidebook. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Shannon, C. E., & Weaver, W. (۱۹۴۹). The mathematical theory of communication. Urbana: University of Illinois Press.

پیوست

پیوست الف: فراوانی خام نقش‌ها به تفکیک درس

جدول الف-۱. فراوانی نقش‌ها در کتاب «فارسی عمومی ۱» (پارسی)

درس	موضوع	ابزاری	نظارتی	تعاملی	شخصی	تخیلی	اکتشافی	اطلاعرسانی
۱	آشنایی	۰	۰	۳۱	۰	۰	۵	۳۱
۲	مشاغل	۰	۰	۱۷	۰	۰	۱۴	۵۴
۳	اشیای کلاس	۴	۰	۱۲	۰	۰	۱۳	۳۹
۴	توصیف افراد	۰	۰	۴	۰	۰	۱۳	۱۸
۵	خانواده	۰	۰	۵	۰	۰	۲۲	۵۳
۶	خانه و لوازم	۰	۰	۷	۰	۰	۱۷	۴۲
۷	آدرس و جهت‌یابی	۱	۱۲	۱۰	۰	۰	۶	۱۲
۸	کارهای روزانه	۰	۰	۲	۰	۰	۹	۵۶
۹	ساعت و زمان	۰	۰	۱۵	۰	۰	۲۲	۳۶
۱۰	فصل‌ها و آبوهوا	۰	۱	۴	۱	۰	۱۷	۵۵

۱۱	حمل و نقل	۰	۳	۴	۰	۰	۱۸	۴۸
۱۲	اوقات فراغت	۰	۰	۶	۰	۰	۴	۷۰
۱۳	لباس و قیمت	۰	۲	۳	۰	۰	۵	۵۸
۱۴	آشپزی و غذا	۳	۸	۹	۱	۰	۱۰	۴۸
۱۵	بیماری و درمان	۰	۴۰	۳	۷	۰	۴	۲۸
۱۶	توانایی	۴	۱	۸	۱	۰	۱	۵۱
۱۷	تصمیمات و آرزوها	۰	۰	۱۱	۳۲	۰	۱۵	۲۳
۱۸	مسافرت	۰	۱	۶	۴	۰	۱۶	۷۱
۱۹	جغرافیا و طبیعت	۳	۳	۰	۰	۰	۱۲	۲۷
۲۰	زندگی‌نامه و تقویم	۰	۰	۸	۰	۱	۸	۴۵
ضمیمه	شنیدن	۲	۱۳	۵۸	۱۴	۰	۸۷	۱۸۹
کل		۱۷	۸۴	۲۲۳	۶۰	۱	۳۱۸	۱۰۵۴

جدول الف-۲. فراوانی نقش‌ها در کتاب «فراز هشت» (سطح پایه ۲)

بخش	موضوع	ابزاری	نظارتی	تعاملی	شخصی	تخیلی	اکتشافی	اطلاع‌رسانی
۱	مشاغل	۰	۰	۴	۵	۰	۸	۳۴
۲	غذا	۳	۳	۵	۱۲	۰	۱۴	۴۴
۳	آب‌وهوا و سفر	۰	۲	۶	۳	۰	۹	۵۴
۴	بیماری	۰	۹	۳	۶	۰	۴	۷
۵	توانایی	۰	۳	۱	۳	۰	۹	۳۴
۶	تعطیلات و جشن	۰	۲	۸	۵	۰	۲۱	۵۶
گفتگو	مرور نهایی	۰	۳	۰	۰	۰	۱۵	۷
کل		۳	۲۲	۲۷	۳۴	۰	۸۰	۲۳۶